



بررسی فرمانی از عصر صفوی در مورد شیوه پرداخت و وظیفه در مشهد

الهه محبوب فریمانی^۱

چکیده

پرداخت و وظیفه یکی از انواع پرداخت‌های مالی عصر صفوی است که به علما و طبقه مذهبی تعلق می‌گرفته، در مشهد نیز به‌عنوان یک شهر مذهبی افرادی وجود داشتند که از دولت صفوی وظیفه دریافت می‌کردند.

هدف:

مقاله حاضر قصد دارد از طریق بازخوانی و تفسیر پروانچه‌ای از دوره شاه سلطان حسین صفوی این مسئله را بررسی کند که شیوه و محل پرداخت و وظیفه و نقش ارکان اداری دخیل در آن، در مشهد به چه صورت بوده است؟

روش و رویکرد پژوهش: این مقاله با روش تحقیق کتابخانه‌ای با رویکرد اسنادی به صورت توصیفی - تحلیلی نوشته شده است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: با توجه به سند مورد بررسی، برای پرداخت و وظیفه ابتدا فرمانی از سوی شاه صادر می‌شد، سپس وزیر و بیگلربیگی مشهد مسئولیت پرداخت آن را از محل‌های مشخص که به‌طور عمده درآمدهای سیورغالات حوزه مشهد بوده است، به عهده می‌گرفتند. بعد از آن اوارجه‌نویس خراسان، توجیه و سرخط‌نویس باید محل پرداخت را تصدیق کنند تا مقامات محلی هم چون حاکم و کلانتر و هم چنین مباشران و مقامات دیوانی مثل وزیر اعظم و مستوفی‌الممالک آن را مورد تأیید قرار دهند. بنابراین برای پرداخت و وظیفه هم ارکان اداری ایالتی و هم عناصر دیوانی مؤثر بودند.

کلیدواژه‌ها: مشهد، وظیفه‌بگیران، سیورغال، ارکان اداری، پروانچه.

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی و کارشناس پژوهش اسناد

e.88.mahboob@gmail.com

مقدمه:

در عصر صفوی، پرداخت‌های حقوقی و مالی به شکل‌های مختلف مانند مواجب، مرسوم، رسوم، وظیفه و غیره بوده است. یکی از این هزینه‌ها، وظیفه است که نوعی پرداخت مالی بوده که در دوره‌های مختلف به افرادی خاص داده می‌شد. در دوره مغول وظیفه به مشایخ، محدثان و حافظان پرداخت می‌شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۷۳). در دوره تیموری وظیفه به همراه انعامات و صدقات به‌کاررفته است و به نواب و ملازمان پرداخت می‌شد (نخجوانی، ۱۹۶۴، ج ۱: ۲۹۴). در عصر صفوی وظیفه به علما و مدرسان بقاع متبرکه تعلق می‌گرفت (واله قزوینی، ۱۳۸۲: ۴۲۹؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۶). بوسه، نیز وظیفه را بخشش مالی یا جنسی به روحانی دانسته که از وقف یا موقوفات پرداخت می‌شد، اما درآمد حکومتی نیز می‌توانست برای پرداخت آن به مصرف برسد (بوسه، ۱۳۶۷: ۴۱).

اینکه برای دریافت وظیفه توسط وظیفه‌بگیران چه مراحل اداری باید در دیوان و ایالات مربوطه صورت می‌گرفت و محل پرداخت آن چگونه تأمین می‌شد، موضوع اصلی مقاله حاضر است که از طریق بررسی فرمانی از دوره شاه سلطان حسین به سؤال فوق پاسخ می‌دهد.

فرمان مزبور در قالب پروانچه، در سال ۱۱۲۹ق. از سوی شاه سلطان حسین صفوی صادر شده است (ساکماق: ۱۳۴۱۴).^۱ هدف از صدور این فرمان رسیدگی به پرداخت وظیفه معوقه به تعدادی از وظیفه‌بگیران در مشهد، براساس عریضه ایشان، و دستور به پرداخت این مبلغ از محل‌های دیگر است.

نوع فرمان، پروانچه است. پروانچه فرمان صادر شده از دربار برای اجرای مسائل مالی بوده است (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴: ۸۶) و گاهی در اثر مفقود شدن آن، دوباره فرمان دیگری بانام «پروانچه مثنی» جایگزین و ارسال می‌شد. اتفاقی که علت اصلی نگارش مجدد این سند بعد از درخواست افرادی برای صدور «پروانچه مثنی» بوده است.

نکته دیگر اینکه تقریباً از اواخر عصر صفوی به ویژه شاه سلطان حسین، صدور پروانچه‌ها در دیوان صفوی کم‌رنگ می‌شود و رقم جای آن را می‌گیرد. این مسئله تا حدودی در متن فرمان حاضر هم گنجانده شده، آنجا که در انتهای سند نوشته شده که «پروانچه و رقم مجدد نطلبند». در این قسمت، پروانچه و رقم همتای هم آمده است.

۱. این سند از آقای صفربور توسط مرکز اسناد آستان قدس رضوی خریداری شده است.

اجزا و بخش‌های پروانچه:

پروانچه مزبور از چند قسمت تشکیل شده است.

بخش اول: تسمیه سند با «الملک لله» بارنگ طلائی است. سپس مهر دایره‌ای شکل شاه سلطان حسین با سجع «شاه ولایت شد حسین، اللهم صل علی محمد و آل محمد، المصطفی علی المرتضی و فاطمه البتول و السبطين الحسن و الحسین و علی و جعفر و موسی و محمد و علی و حسن و صاحب الامر علیهم السلام، ۱۱۱۲» مشاهده می‌شود. در حاشیه سند جمله «رضیه رضویه علی مشرفها السلم و التحیه» بارنگ طلائی ممتاز نویسی^۱ شده است.

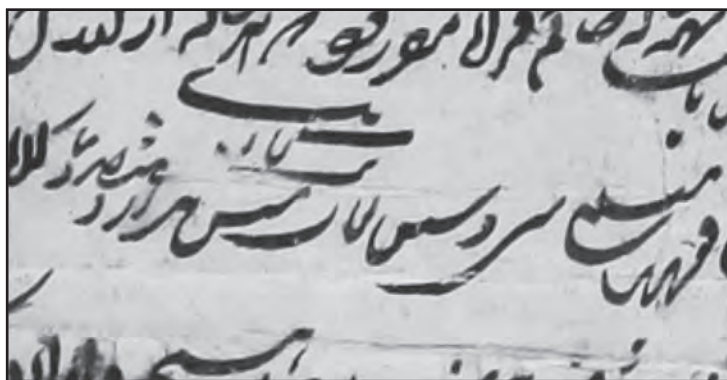
بخش دوم: طغرای سند «فرمان همایون شد» بارنگ قرمز است. سپس متن سند با «آنکه» شروع شده و براساس عریضه عارضین، موضوع بررسی و دستورات لازم صادر و در پایان تاریخ سند ذکر شده است. بیشترین خطاب به کار رفته برای اشخاص در متن، مربوط به نایب الصداره مشهد است. «شرافت و نجابت و فضیلت پناهان، افادت و افاضت دستگهان، ظهیراً للشرافه». سایر خطاب‌ها «شرافت پناه» برای مدرس و خادم، «مسماء» برای زن وظیفه بگیر، «عالی جاه» برای مستوفی الممالک و بیگلریگی است.

بخش سوم: در پشت سند، یادداشت، طغرا و مهر وزیر اعظم در تأیید پروانچه و سپس مهر و یادداشت مناصب اداری ثبت شده است. سپس محل‌های پرداخت وظیفه و میزان آن به وظیفه بگیران است با جزئیات کامل درج شده و بر روی آن مهر زده شده است. در حالی که در روی سند تنها مبالغ کلی پرداخت وظیفه با نام مزارع و محالات ذیل مداخل حاکم فرّاه،^۲ و نام افرادی که باید عشر سیورغال دریافت کنند، مشاهده می‌شود. شاید برای انجام محاسبات توسط مستوفیان، قسمت پشت سند مفصل‌تر نوشته شده است و در واقع نوعی شیوه فرمان نویسی دوره صفوی محسوب می‌گردد به ویژه برای فرمان‌هایی که جنبه مالی دارند. قطع سند ۱۵ در ۹۶/۵ سانت است. سند وصالی و مرمت شده که قطع آن با حاشیه وصالی، ۲۸ در ۱۱۸ سانت است. فاصله بالای سند تا متن اصلی، ۱۸ سانت، فاصله سمت راست سند تا متن، ۴/۵ سانت و فاصله سمت چپ سند تا متن اصلی ۵/۵ سانت است که

۱. ممتاز نویسی: برجسته کردن به وسیله نوشتن برخی کلمات یا نام‌های مرتبط با متن در صدر یا حاشیه اسناد، تحت عنوان ممتاز نویسی معروف شده است (شیخ‌الحکامی، ۱۳۹۰: ۸۴).

۲. ولایت فرّاه ولایتی در غرب افغانستان که از غرب با ایران، شمال با ولایت هرات، از جنوب با ولایت نیمروز، از جنوب شرق با هلمند و از شرق با ولایت غور همسایه است. فرّاه در سال ۹۹۱ همراه با دیگر مناطق خراسان به تصرف شاه‌عباس درآمد (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۵۹).

گمان می‌رود فاصله سمت چپ بیشتر بوده، اما در مرمت یا در طول زمان از بین رفته است. هم چنانکه فاصله سمت راست هم بیشتر از ۴/۵ سانت بوده که تنها قسمت ممتازنویسی شده حفظ شده است. تعداد سطور ۲۵ سطر، جدا از سطوری که به محل پرداخت و میزان آن اختصاص دارد. فاصله سطور یکسان است. خط سند دیوانی و ارقام به سیاق نوشته شده است. در جایی که ارقام به حروف است در بالای آن اعداد به سیاق هم نوشته شده است (تصویر شماره یک). در این سند برای نوشتن متن از سه مرکب قرمز، طلایی و مشکی استفاده شده است.



تصویر شماره یک

از ویژگی‌های ظاهری سند مزبور، وصالی سند و مرمت آن به دلیل پارگی است. این مسئله باعث شد تا برخی کلمات به درستی خوانده نشود.

شیوه پرداخت وظیفه

این فرمان، در بحبوحه شرایط سیاسی ایران در قرن دوازده که سرانجام سقوط سلسله صفوی را در پی داشت، توسط شاه سلطان حسین صفوی صادر شد، در حدود سال ۱۱۲۹ ق. مشهد از طرف افغان‌ها به محاصره درآمده بود. از سوی دیگر در همین زمان گروهی از ازبکان هم به هدف حمله به مشهد عازم خراسان شده بودند که ظاهراً هر دو گروه نمی‌توانند به مشهد دست یابند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۱۲۱).

خطاب شاه سلطان حسین در این فرمان نایب‌الصداره مشهد و خادم‌باشی آستانه و مدرس مسجد جامع گوهرشاد است. پیش از آن افراد فوق، نامه‌ای به دربار نوشته‌اند درباره مفقود شدن پروانچه‌ای که جهت پرداخت وظیفه آن‌ها صادر شده و در آن نامه درخواست صدور

پروانچه دیگری تحت عنوان «پروانچه مثنی» دارند.

در سند مذکور، نایب‌الصداره مشهد و خادم‌باشی آستانه منوره، فرزندان ذکور مدرس و خادم‌باشی مسجد جامع گوهرشاد و دختریکی از خادمان به‌عنوان وارث وی، مشمول پرداخت وظیفه شده‌اند. بنابراین طبق این سند مشخص می‌شود که وظیفه به خادم سرکار فیض‌آثار و مدرس مسجد گوهرشاد، نیز به وارثان اناث و ذکور آن‌ها هم تعلق گرفته است.

نایب‌الصداره مشهد در این دوره محمدابراهیم بود که سمت خادم‌باشی و مدرسی حرم را داشته است. امور مربوط به صدر خاصه در برخی ولایات توسط نایب‌الصداره و عمال صدر انجام می‌شد که یکی از وظایف ایشان رسیدگی به کارهای سادات، علما، مدرسان و غیره بود (علاقه، ۱۳۸۵: ۱۰۴). سندی دیگر از محمدابراهیم نایب‌الصداره موجود است که در آن شاه سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۹ق. طبق تأیید صدر خاصه، مبلغ وظیفه پرداختی (شش تومان) وی را به فرزندش واگذار کرده است. محل پرداخت از موقوفات آستان قدس رضوی است و افرادی که باید این حکم را اجرا می‌کردند وزیر و مستوفی سرکار فیض‌آثار هستند (ساکماق: ۱۳۴۱۸).

مدرس و خادم‌باشی مسجد گوهرشاد در این سند یک نفر بوده که به فرزندان وی هم وظیفه تعلق گرفته است. به مدرس مسجد گوهرشاد که تدریس و گاهی پیش‌نمازی برعهده او بوده نیز وظیفه پرداخت می‌شد (طلایی، محبوب، ۱۳۹۶: ۵۶).

زمان پرداخت وظیفه سال به سال در اول هر سال، یا نصف آن در شش ماهه اول و نصف دیگر در شش ماهه دوم بود که بعد از دریافت قبض از فرد وظیفه‌بگیر صورت می‌گرفت. اگر فرد وظیفه‌بگیر در محل نبود، برای اینکه جهت دریافت آن دچار سختی و رنج نشود، عوضش را از بابت وجوه مالیات‌های آن محل به او می‌دادند و در صورت فوت وی، به وارثش که استحقاق داشت پرداخت می‌شد و گرنه به شخص دیگر که به صفت «صلاح و استحقاق» آراسته بوده، وظیفه تعلق می‌گرفت (ستوده، ۱۳۷۷، ج ۶: ۳۸).

نقش ارکان اداری ایالتی و ولایتی در پرداخت وظیفه

این فرمان نشان می‌دهد که برای دریافت وظیفه چه مراحل اداری طی می‌شده و کدام یک از مناصب اداری در حوزه ولایات و در حوزه دیوان برای پرداخت وظیفه درگیر بوده‌اند. تصدیق پروانچه پرداخت وظیفه، توسط سرکار توجیه، سرخط و اوارجه خراسان و «نظارت

و خالص» صورت می‌گرفت. سرکار توجیه، سرخط و اوارجه خراسان تأیید می‌کردند که پروانچه‌ای برای پرداخت وظیفه صادر شده است. وظیفه اداره توجیه این بوده که کلیه ارقام و احکام و پروانجات دیوان اعلی که مربوط به پرداخت‌های مختلف بوده را ثبت کند و کل این محاسبات به تصدیق این سرکار برسد (میرزا سمیعا، تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸: ۴۲). برای همین لازم بود تا پروانچه مذکور توسط سرکار توجیه تصدیق شود و مهر آن بر پشت سند درج گردد.

سرخط را میرزا سمیعا مختص لشکر نویس دانسته که دادوستد لشکریان با ایشان بوده است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۴۱). بوسه سرخط را مترادف با مستوفی لشکر نویس دانسته است (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۰۷). که مهر و خط وی در تمامی احکامی که لشکر نویس می‌نوشت و نیز احکامی که از جانب منشی الممالک و واقعه نویس صادر می‌شده، وجود داشت (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۵۵). در پشت این سند هم مهر و یادداشت وی موجود است «ثبت دفتر سرخط شد». ارکان اداری بعدی، اوارجه خراسان است که باید پروانچه را تصدیق می‌کرده، اوارجه، دفتر ثبت درآمدها و هزینه‌های منتج از آن بوده است. در دولت صفوی چهار ایالت عراق، آذربایجان، فارس و خراسان دارای یک اوارجه نویس بودند که عایدات این مناطق توسط آن‌ها ثبت می‌شده است (میرزا سمیعا، تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۴۴). بنابراین نقش اوارجه خراسان در این سند مشخص می‌شود که هرگونه پرداخت تحت عنوان وظیفه باید به تصدیق وی هم می‌رسید. چون او نیز باید مانند سرکار توجیه درآمد و هزینه را ثبت می‌کرد. منتهی وی در ذیل درآمد این کار را می‌کرد. اما توجیه نویس تنها هزینه را ثبت می‌کرد. بنابراین سه عنصر، سرکار توجیه، سرخط نویس و اوارجه خراسان نخستین ارکانی هستند که در سند مزبور باید مبلغ پرداختی وظیفه و محل پرداخت آن را تأیید می‌کردند.

«نظارت و خالص» که در سند آمده گویا منظور «محرران سرکار نظارت» است. این‌ها نویسندگانی بودند که محاسبات مؤدیان، نیز به دست ایشان می‌رسید، آن را با سررشته جات دفتری خود مقابله و تصحیح می‌کردند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۱۳۰). در مورد «خالص» هم شاید منظور محرران سرکار خالص هستند که زیر نظر مستوفی الممالک انجام وظیفه می‌کردند (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۳۸).

منصب دیگری که در این مسئله وارد می‌شود وزیر خراسان است. وزیر از جمله اصحاب قلم و اصحاب دفترخانه همایون اعلی بود که به‌طور مستقیم به‌وسیله شاه منصوب می‌شد.

هنگامی که وزیری به محل کار اعزام می‌شد متن تعلیماتی به نام دستورالعمل به او می‌دادند که طبق آن ایالت را اداره کند. وزیر باید خود به محل کار می‌رفت ولی گاهی وزیری در دربار می‌ماند و از طریق معاونان خود امور را اداره می‌کرد.

مهم‌ترین وظیفه وزیر رسیدگی به امور مالی بود که جنبه‌های متعددی داشت از جمله رسیدگی به امور دادوستد مالیات دیوانی، تعیین متصدیان، ضابطان و مستأجران. وی برای ضبط مالیات‌های دیوانی ایالت می‌بایست آن وجوه را سال به سال جمع کرده و به خزانه شاه می‌فرستاد (برن، ۱۳۵۷: ۱۶۴). وزیر خراسان از مناصب بااهمیت دولت صفوی است و حتی در برخی دوره‌ها حدود اختیارات وی فراتر از حوزه خراسان است (برن، ۱۳۵۷: ۱۵۷).

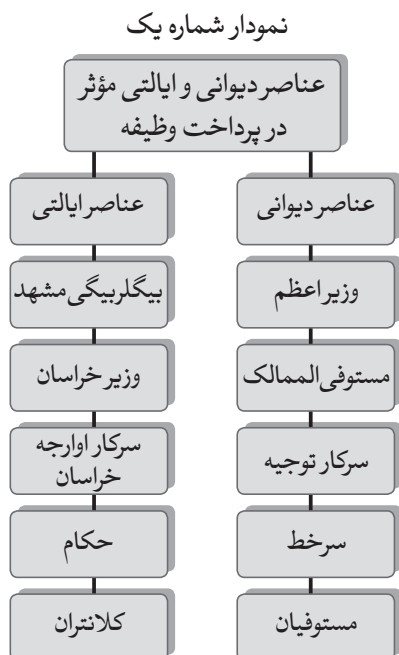
وظیفه‌بگیران مزبور باید مبلغ وظیفه خود را از بابت وجوهات ضبطی خراسان دریافت می‌کردند. این وجوهات هر سال توسط بیگلربیگی مشهد از «ممر حلال دستگردان» به ایشان داده می‌شد و سپس مبلغ پرداختی از وجوهات تحویلی وزیر خراسان تنخواه داده می‌شد. در دوره صفوی، مشهد به عنوان یکی از ایالات مهم، دارای بیگلربیگی بود؛ بیگلربیگی حکامی بودند که از مرکز تعیین می‌شدند. اما گاه در موارد به خصوص این سمت موروثی بود (میرزا سمیعا، تعلیقات مینورسکی، ۱۳۶۸: ۷۸).

واژه دیگری که در این قسمت سند درج شده «دستگردان» است. دستگردان در لغت به معنای «گردانیده شده از دستی به دستی، وام، قرض، چیزی که به عاریت گیرند، وجه نقدی که به یکدست کسی دهند و از دست دیگری بازستانند و این عمل را چندین بار تکرار کنند» (دهخدا، ذیل واژه).

باتوجه به ادامه جمله که نوشته «بیگلربیگی مشهد عوض از وزیر خراسان از وجوهات تحویلی او تنخواه داده و بازیافت نماید». احتمالاً همان معنی لغوی دستگردان است که بیگلربیگی مبلغ را از راه دستگردان پرداخت و سپس از وجوهات تحویلی وزیر خراسان دریافت کند. از رجال دیگری که باید در پرداخت وظیفه همکاری داشته و خللی ایجاد نمی‌کردند؛ حکام و کلانتران و مباشران دیوانی بودند. در نهایت «مستوفیان عظام» باید وجه وظیفه را به اسم وزیر خراسان در دیوان ضبط و عوض آن را از محل‌هایی که درسند مشخص شده محاسبه و توسط بیگلربیگی مشهد به وظیفه‌بگیران پرداخت کنند.

بنابراین برای پرداخت وظیفه در حوزه مشهد، ارکان ایالتی چون وزیر خراسان، بیگلربیگی مشهد، سرکار اوارجه خراسان، حکام و کلانتران و در حوزه دیوان سرکار توجیه، سرخط، وزیر

اعظم، مستوفی الممالک و مستوفیان دخیل بودند که البته همه طبق فرمان صادره از شاه عمل می‌کردند (نمودار شماره یک).



محل پرداخت وظیفه

محل پرداخت وظیفه قسمتی از وجوهات ضبطی خراسان بود که هر سال بیگلربیگی مشهد در ابتدای سال از ممر حلال دستگردان پرداخت می‌کرد و سپس از وزیر خراسان وجوهات تحویلی را دریافت می‌کرد. در این سند به دلیل عدم تعیین وزیر خراسان، وجه وظیفه ایشان دریافت نشده است و این افراد درخواست دارند که مبلغ مذکور جهت دیوان ضبط و به جای آن طبق دستور شاه، از بابت محل‌های دیگر پرداخت شود.

این مکان‌ها شامل تعدادی مزارع است که قسمتی از آن جزو مداخل حاکم فراه است و قسمتی دیگر از بابت عشر و ده‌نیم سیورغال اولاد میرزا ابراهیم متولی سابق، اولاد سارو بهادر، اولاد میرزا محسن متولی سابق و اولاد میرزا بدیع مهرداد ثبت شده است. سیورغال قطعاً زمین یا درآمد آن بود که از طرف پادشاه به جای حقوق یا مستمری به کسی بخشیده می‌شد. در دوره صفوی به طبقات مذهبی هم سیورغال واگذار می‌شد (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۸۴).

عشر و ده نیم به سیورغالات تعلق می‌گرفت. عشر عربی و مترادف کلمه فارسی «ده یک» است که هر دو مفهوم یک‌دهم را می‌رساند (دهخدا، ذیل واژه). در واقع یک‌دهم مالی بوده که به محصولات زمینی تعلق می‌گرفت و در اصطلاح، حصه آنچه از اراضی مسلمانان ستانند، و آن زمینی باشد که به اذن مسلمانان احیا کرده باشند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۴۵؛ آیتی، ۱۳۸۳: ۳۶۵؛ رساله در حساب سیاق، ۱۱۰۳: ب ۵). اما ده نیم به معنای خمس، یک قسمت از بیست قسمت و نیم عشر است (دهخدا: ذیل واژه). حسن‌آبادی عشر و ده نیم را معادل پانزده درصد دانسته است (حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۸).

لمبتون معتقد است صاحبان سیورغالات، مشمول پرداخت عوارض مخصوصی بودند که قسمتی از حقوق مأموران از این عوارض پرداخت می‌شد (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۴۲). بنابراین به نظر می‌رسد عشر و ده نیم مالیاتی بود که از سیورغالات دریافت، و به مأموران کشوری و لشکری پرداخت می‌شد. در دوره صفوی به منظور تأمین نیازهای آستان قدس، برخی مزارع و باغات به عنوان سیورغالات به آستان قدس واگذار شد که عشر و ده نیم بابت مالیات از درآمد این سیورغالات کسر می‌شد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۰).

دستور پرداخت عشر و ده نیم به موجب حکم و پروانچه شاه، خطاب به دیوان‌الصداره، با تصدیق دفاتر دیوان اعلی و گاهی دستور مستوفی الممالک و یا طبق عریضه مستوفی موقوفات و عریضه محصل صادر می‌شد. این پرداخت‌ها به صورت استمرار و همه ساله بود (ساکماق: ۳۳۲۲۲/۱۴، ۳۳۳۷۲/۸). پس از صدور فرمان، متن آن در دفاتر درج و قبض رسید افراد مبنی بر دریافت وجه فوق تنظیم می‌شد (ساکماق: ۳۳۲۲۲/۸). حواله برخی پرداخت‌ها از دیوان صورت می‌گرفت. اما محل پرداخت از «مال وجهات^۱ سرکار فیض‌آثار بود» (ساکماق: ۶۲۳۹۴/۲).

عشر و ده نیم توسط محصلان، جمع‌آوری و به دفتر موقوفات ممالک محروسه و صدر ممالک ارسال می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۰: ۴۹۲). در زمان نبود صدر ممالک، این وجوهات ضبط دیوان اعلی می‌شد. وظیفه محصل مزبور که گاهی وی از غلامان خاصه و تابین وزیر دیوان اعلی محسوب می‌شد. این بود که این رسومات را هر ساله نقد به نقد و جنس به جنس دریافت کند. هم چنین وی باید نسخه‌ای منقح از این وجوهات تهیه کرده و به دیوان‌الصداره بفرستد

۱. مال وجهات: اجاره اراضی. به معنی عایدی املاک است از نقد (= مال) و محصولات و اجناس (= [و] جهات) یعنی مالوجهات به معنی عایدی املاک و اراضی است و شاید علی‌الخصوص عایدی املاک و اراضی دولتی، یا اعم از دولتی و غیردولتی (دهخدا، ذیل واژه).

که در دفتر موقوفات ممالک محروسه نگه دارند. وجوه مزبور در طوماری نوشته می‌شد و اگر مقداری از این وجوه غیرقابل دسترس بود، باید به تأیید اهالی شرع و افراد معتبر محلی که وجه از آنجا دریافت می‌شد، می‌رسید. در زمینه دریافت وجوه فوق علاوه بر تحصیلدار، مستوفیان نیز باید تمام تلاش خود را در جهت اخذ این وجوه انجام می‌دادند. مباشران موقوفات و صاحبان سیورغالات باید این متوجهات یا درآمدها را آماده می‌کردند. سپس حکام، وزرا، کلانتران و داروغه هر محل باید با محصل مزبور همکاری کرده و فردی معتمد برای دریافت این وجوهات و تحویل آن به تحصیلدار دیوان انتخاب می‌کردند (ساکماق: ۲/۳۳۳۷۲).

بنابراین مشخص می‌شود که قسمتی از مواجب وظیفه‌بگیران مزبور از بابت عشر و ده‌نیم سیورغالات افراد ذکرشده در سند پرداخت می‌شد. این افراد شامل فرزندان متولیان سابق آستان قدس بودند که به آن‌ها سیورغال تعلق گرفته بود.

وظیفه‌بگیران باید در قبال دادن قبض، مبلغ وظیفه را دریافت کنند و پس از این حکم دیگر پروانچه ورقمی اگر صادر شود دارای اعتبار نیست. دو اصطلاح پروانچه و رقم در این دوره نشان می‌دهد که برای پرداخت‌های مالی در دیوان شاه سلطان حسین از هر دو نوع سند استفاده می‌شد. در ادامه سند محل‌های پرداخت با استناد به سرکار توجیه، سرخط و اوارجه خراسان مشخص می‌شود. ابتدا نام افراد وظیفه‌بگیر و میزان پرداختی و سپس محل‌های پرداخت نوشته شده، شکل پرداخت به آن‌ها به صورت نقد و جنسی (گندم و جو) است. هم‌چنین این مبالغ توسط مستوفی‌الممالک هم تصدیق شده است. این نشان می‌دهد هر هزینه مالی در ایالات باید به تأیید دیوان مرکزی هم می‌رسید.

سند در ادامه به جزئیات بیشتری از شیوه و محل پرداخت اشاره می‌کند. اینکه قسمتی از محل پرداخت از بابت مداخل یا درآمدهای حاکم فراه است.

هم‌چنین اشاره دارد که قسمتی از درآمد سیورغالات مذکور بابت «چکمه بهای مشهد» که مبلغ پانصد تومان تبریزی بوده نزد بیگلربیگی مشهد است که به هر مصرفی که می‌خواهد برساند. بیگلربیگی مشهد هم‌چنین باید قسمتی از وجه چکمه بهای مشهد را در عوض مداخل حاکم فراه و غلامان (ملازمان)^۱ جدیدی او اختصاص دهد و بقیه برای وظیفه افراد مذکور مقرر شده است.

حاکم فراه جزو امرای خراسان و ذیل بیگلربیگی هرات قرار می‌گرفت (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۵۵؛ میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۷۹). میرزا سمیعا مداخل حاکم فراه را ۴۹۸۹۹ تومان و ۶۸۷۳

۱. در سند ضبط هر دو کلمه به کاررفته است.

دینار و تعداد ملازمان وی را ۶۰۳ نفر نوشته است (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۷۹). مبلغی که باید از بابت چکمه بهای مشهد به حاکم فراه پرداخت شود هشت تومان و ۳۶۰۸ دینار است که از مبلغ مطرح شده از سوی میرزاسمیعا بیشتر است.

اینکه چرا از مداخل^۱ حاکم فراه که جزو بیگلربیگی مشهد نبوده پرداخت صورت گرفته شاید به اوضاع سیاسی این منطقه برگردد. مستوفی نوشته که در سال ۱۱۲۹ ق. فراه توسط میر ویس تصرف شده است (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۶۹). احتمال دارد به همین دلیل این امر صورت گرفته است.

اطلاعی در منابع اداری و اسناد راجع به اصطلاح چکمه بها به دست نیامد. به نظرمی رسد با توجه به معنی چکمه در این دوران که نوعی کفش برای نظامیان بوده، شاید این اصطلاح مربوط به هزینه اسباب و آلات نظامیان حوزه مشهد باشد و تأیید سرخط نویس که در ابتدای سند آمده به این موضوع برگردد که در اینجا قسمتی از آن برای پرداخت وظیفه، مورد استفاده قرار می‌گرفت. هم‌چنین مستوفیان دیوان موظف بودند که مبلغ وظیفه قبلی را که به اسم وزیر خراسان بوده به نام دیوان ضبط کنند و عوض آن از بابت چکمه بهای خراسان از بیگلربیگی مشهد دریافت شود.

مقدار کل وظیفه پرداختی ۳۶ تومان و ۶۸۰۰ دینار است. که بیشترین مبلغ به نایب‌الصداره مشهد یعنی ۲۳ تومان، سپس به اولاد میرزا محمدرضا، هفت تومان و کمترین به خدیجه خانم شش تومان و ۶۸۰۰ دینار رسیده است (جدول شماره یک). بررسی نام مزارعی که در این سند به عنوان محل درآمد آمده، نشان می‌دهد که بیشتر این مزارع متعلق به مشهد هستند (جدول شماره دو). بنابراین افرادی که به عنوان وظیفه‌بگیر در مشهد ساکن بودند. اغلب وظیفه‌شان از همین مکان تأمین می‌شده است. با وجود اینکه این وظیفه‌بگیران جزو خدام آستان قدس بودند، اما نامی از آستان قدس به عنوان تأمین‌کننده این هزینه نیامده است.

نتیجه:

وظیفه یکی از پرداخت‌های خاص دولت صفوی به طبقات و علمای مذهبی محسوب می‌شود که برای پرداخت آن سلسله مراتب اداری در جریان بوده است. سندی که بابت این کار از سوی شاه صادر می‌شود اغلب پروانچه یا رقم است. به نظرمی رسد برای پرداخت وظیفه

۱. عواید آنچه داخل عایدی شخص یا دولت شود. درآمدها. مقابل مخارج (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه). پول و نفعی که از طریق کسب و تجارت عاید شخص شود یا پولی که به عنوان باج و مالیات به خزانه دولت ریزند.

از محل سکونت وظیفه بگیران تأمین هزینه می شد و برای همین ارکان ایالتی نیز در آن دخیل بودند. اگر درآمد محل سکونت برای پرداخت کافی نبود به دستور شاه این هزینه از محل های دیگر تأمین می شد.

بررسی سند مزبور نشان داد که در حوزه دیوان عناصری چون وزیراعظم، مستوفی الممالک، سرکار توجیه، سرخط و مستوفیان؛ و در حوزه ایالت وزیر، بیگلربیگی، سرکار اوارجه، حکام، کلانتران و مباشران دیوانی دخیل بودند.

با این حال اصطلاح مالی وظیفه نیاز به بررسی بیشتر، هم به لحاظ دریافت کنندگان و هم به لحاظ محل تأمین هزینه در دیوان و سایر ایالات دارد که باید در تحقیقات بعدی به آن پرداخته شود.

جدول شماره یک: وظیفه بگیران و محل پرداختی

نام وظیفه بگیر	محل	سیورغال	از بابت عشر و ده نیم سیورغال
آقا محمد ابراهیم نایب الصداره مشهد ۲۳ تومان	مزرعه شبانکاره بلوک طوس، مزرعه بحرآباد بلوک نهرین، مزرعه مهدی آباد بلوک نهرین، مزرعه شادکن بلوک نهرین (وظیفه صدر)	بلوک مشهد سیورغال صدر سابق	اولاد میرزا ابراهیم متولی و میرزا بدیع اولاد سارو بهادر اولاد میرزا محسن متولی سابق سابق اولاد میرزا بدیع مهرداد
خدیجه خانم شش تومان و ۶۸۰۰	مزرعه شادکن بلوک نهرین (وظیفه صدر) قریه دیکخان و خانرود، مزرعه نوقان، مزرعه جلینی،	مزرعه نوقان بلوک جاغرق سیورغال صدر سابق	
اولاد ملا محمد رضا مدرس هفت تومان	قریه طرز بلوک اردنه	مزرعه میران سیورغال صدر سابق	قریه دیکخان و خانرود که به تیول مشارالیه مقطوع بوده و علاوه مداخل بیگلربیگی سابق مشهد و علاوه مداخل حاکم فراه

جدول شماره دو: مزارعی که محل پرداخت بودند

نام مزرعه	وابستگی مکانی
مزرعه احمدآباد	مشهد
مزرعه طرز	مشهد
بلوک اردمه	مشهد
بلوک منیژان	مشهد
بلوک شهر	مشهد
مزرعه دنجان	مشهد
مزرعه شنگله	مشهد
بلوک طوس	مشهد
بلوک جاغرق	مشهد
مزرعه خانرود	مشهد
مزرعه مهدی آباد	مشهد
مزرعه پاینده	مشهد
مزرعه شبانکاره	مشهد
مزرعه نوغان	مشهد
مزرعه مزنگ	مشهد
مزرعه بحرآباد	مشهد
مزرعه حسینی	مشهد

منابع

- اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی با شماره‌های ۳۳۳۷۲، ۶۲۳۹۴، ۳۳۲۲۲، ۱۳۴۱۸، ۱۳۴۱۴.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳). *تحریر تاریخ و صاف*، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- برن، رهر (۱۳۵۷). *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بوسه، هریبرت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی*. مترجم: غلامرضا ورهرام، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «عشر و ده‌نیم (بررسی یکی از اصطلاحات مالی دوره صفوی)».

گنجینه اسناد، شماره ۸۱.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.

رساله در حساب سیاق (۱۱۰۳ق). نسخه خطی، شماره ۴۲۰۳۳، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

ستوده، منوچهر و ذبیحی، مسیح (۱۳۷۷). از آستارا تا استارباد، ج ۶. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

شیخ الحکمایی، عمادالدین (۱۳۹۰). «ادب ممتاز نویسی و سیر تحول آن در اسناد دوره اسلامی ایران». پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۳، شماره ۱.

طلایی زهرا، محبوب، الهه (۱۳۹۶). گزیده اسناد مسجد گوهرشاد، مشهد، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

علاقه، فاطمه (۱۳۸۵). اصطلاحات دیوانی عالم آرای عباسی، تهران: فرهنگستان هنر.

قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۹۴). مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، ج ۲، مقدمه: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

لمبتون، آن کترین سوابین فورد (۱۳۷۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نی.

مستوفی، محمد محسن بن محمد کریم (۱۳۷۵). زبده التواریخ (تاریخ صفویه)، تصحیح: بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، ج ۲، ج ۲، تصحیح: احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

میرزافیعا، محمدرفع بن حسن (۱۳۸۰). دستورالملوک، چاپ شده در کتاب دفتر تاریخ، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

میرزاسمیعا، محمدسمیع (۱۳۶۸). سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکره الملوک، ج ۳، مترجم: مسعود رجب نیا، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.

نخجوانی، محمد بن هندوشاه بن سنجر (۱۹۶۴). دستورالکاتب فی تعیین المراتب، ج ۱، تصحیح: عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو: فرهنگستان علوم شوروی.

نصیری، محمد ابراهیم (۱۳۷۳). دستور شهریاران، تصحیح: محمد نادر نصیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۵۸). سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۲). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

متن بازخوانی شده سند

هو

الملك لله

رضیه رضویه علی مشرفها السلم والتحیه

[مهر:] شاه ولایت شد حسین اللهم صل علی محمد و آل محمد المصطفی علی المرتضی و فاطمه البتول والسبطين الحسن والحسین و علی و جعفر و موسی و محمد و علی و حسن و صاحب الامر، ۱۱۱۲.

فرمان همایون شد. آنکه چون درین وقت شرافت و نجابت و فضیلت پناهان، افادت و افاضت دستگاهان ظهیراً للشرافه و الافاده ملا محمدابراهیم، نایب الصداره مشهد مقدس معلی [ناخوانا] و خادم باشی و ملا محمدرضا مدرس و خادم باشی آستانه مقدسه منوره متبرکه عرش درجه و مدرس مسجد جامع الکاء مزبور به عرض رسانیدند مبلغی از بابت مال و وجوهات خراسان به وظیفه ایشان مقرر و پروانچه مطاعه در این باب صادر و به اتمام رسید، مفقود گشته و استدعای پروانچه مثنی اشرف [دارند] و از سرکار توجیه و سرخط و اوارجه خراسان و نظارت و خالص تصدیق نمودند که در باب وظیفه مزبور پروانچه اشرف به تاریخ شهر رجب سنه ۱۱۲۹، به این مضمون صادر شده که چون درین وقت شرافت و نجابت و فضیلت پناهان، افادت و افاضت دستگاهان، مشارالیهما به عرض رسانیدند که مبلغی از بابت وجوهات ضبطی وزیر خراسان به وظیفه ایشان و مسماه خدیجه خانم صبیبه مرحوم ملا محمد کریم خادم مقرر است که هر ساله بیگلریگی مشهد مقدس در اول سال از ممر حلال دستگردان و مهمسازی ایشان و عوض از وزیر خراسان [ناخوانا] از وجوهات تحویلی او تنخواه و بازیافت نماید و چند سال است که به اعتبار عدم تعیین وزیر خراسان وجه وظیفه ایشان حسب الواقع واصل ایشان نشد و استدعا نمودند که وجه مزبور به جهت دیوان ضبط و عوض از بابت محال و وجوهات مزبوره ذیل

از بابت عشر و ده نیم سیورغال جماعت مزبوره

اول_____اد
 میرزا ابراهیم متولی سابق
 و میرزا بدیع کلانتر

اول_____اد
 میرزا بدیع مهرداد

اول_____اد
 میرزا محسن متولی سابق سابق

از بابت محال مزبوره

مزرعه_____ه	مزرعه_____ه	مزرعه_____ه
پاینده	شنگله	مزنک
مزرعه_____ه	مزرعه_____ه	مزرعه_____ه
حسینی	بحر آباد	شبانکاره
مزرعه_____ه	مزرعه_____ه	مزرعه_____ه
مهدی آباد	چهل حجره	نوفان
مزرعه_____ه	مزرعه_____ه	مزرعه_____ه
نوقیاخان [ناخوانا]	دنجان و خانرود	شادکن
قری_____ه	مزرعه_____ه	مزرعه_____ه
طرز	[احمدآباد؟]	جایاب

که بعضی داخل مداخل حاکم فراه و هرچی باقی است داده شده، آنچه از آن جمله رسید ملا محمد رضا است به وظیفه اولاد ذکور او و رسید سایر جماعتی از آن قرار به وظیفه ایشان مقرر گردد که هر ساله از قرار قبض خود باز یافت نمایند و هرگاه من بعد نقیض آن بر طبق عرض احدی در لباس پروانچه ورقمی صادر شود مناط اعتبار نبوده باشد و از سرکار توجیه دیوان اعلی و سرخط و اوارجه خراسان نوشته اند که حسب ارقام مطاعه برین موجب

شرافت پن_____اه
 ملا محمد ابراهیم مدرس آستانه مقدسه منوره
 عرش درجه، ۲۳ تومان

شرافت پن_____اه
 ملا محمد رضا مدرس مسجد جامع مشهد
 مقدس، ۷ تومان

مسم_____اه
 بی_____اض شد

خدیدجه خانم صبیبه مرحوم ملاکریم

شش تومان و ۶۸۰۰ دینار

از بابت وجوهات ضبطی وزیر خراسان به وظیفه مشارالیه مقرر و حقیقت محال و وجوهات استدعای به موجبی است که در ذیل در تحت هر یک قلمی گردید و عالی جاه مستوفی الممالک بلاریب و الاستحقاق تصدیق نموده که هرگاه آنچه از محال استدعای که به علاوه

[-]

محال مزبوره

۲۶ تومان و ۵۳۲۴ هزار دینار

مزرعه مزنگ بلوک منیژان رسید سیورغال صدر سابق:

که داخل نسخه [-] حاکم فراه شد

یک تومان و ۹۸۲۸ دینار

مزرعه

[نقد]

[نقد]

شنگله باقی دفتری:

۷۴۷۰ دینار

۸۹۸۰ دینار

نقد ۱۰ تومان، بها: جنس گندم [-]

بها

۱ تومان و ۸۴۴ دینار: گندم: ۳ خروار و ۷۲ من: ۸۹۲۳

مزرعه

دینار: جو ۳۸۱ من: ۱۹۱۶ دینار

حسینی باقی دفتری: ۳۲ خروار: ۶۷۰ دینار

۱۶۵۸ دینار

بها

مزرعه

۵۱۲۶ دینار،

جایاب باقی دفتری

گندم: یک خروار و ۵۰ من: ۳۴۶۸ دینار، جو: ۸۸ من

۳۷ من و نیم: ۱۵۵۰ دینار

و نیم، ۱۳۴۸ دینار

مزرعه

احمدآباد عن گندم: ۱۸ خروار: ۴۶۵ دینار

مزرعه

شبانکاره بلوک طوس رسید ایضاً: یک تومان و

مزرعه نوقیاخان

۹۶۳۰ دینار

گندم: ۱۵ خروار و ۲۹ من

نقد ۸۸۸۱ دینار

جو: ۳ خروار و ۸۴ من

مزرعه بحرآباد [-]: یک تومان و ۶۶۸۱

نقد ۲۷۲۱ دینار

قریه

بها: اتومان و ۲۸۳۲ دینار: گندم: ۸ خروار: ۶۷۹۲ دینار،

دنخان و خانرود بلوک قبالجات از [ناخوانا] افغانه: ۱۷

جو: ۱۹ خروار: ۴۲ دینار

تومان و ۲۱۵۰ دینار

بها: اتومان و ۹۲۰ دینار: گندم: ۳ خروار و ۱۱ من:

۹۱۸۸ دینار، جو: ۲ خروار و ۱۱ من: ۱۷۷۶ دینار

مزرعه نوقان بلوک جاغرق رسید ایضاً: ۵۳۲۴ دینار و

نیم

۱. علامت پارگی سند است.



نقد: ۱۰۲۱ دینار ونیم
 بها: ۸۳۸۲ دینار، غله: گندم ۳۱ من: ۱۷۸۰ دینار
 جو: ۸۹ من: ۱۴۵۸ دینار
 مزرعه چهل حجره بلوک جاغرق رسید ایضاً: غله
 ۲۰ خروار: ۴۰۰ دینار
 قریه مهدی آباد بلوک شهر رسید ایضاً: اتومان و
 ۹۳۲۸ دینار، نقد: ۱۸۵۶ دینار، جنس: اتومان و ۸۷۸
 دینار: گندم: ۴ خروار و ۶۳ من: اتومان و ۱۱۲۱ دینار، جو:
 ۴ خروار و ده من: ۵۶۲ دینار
 مزرعه شادکن [ناخوانا] رسید ایضاً صدر سابق: ۶ تومان و
 ۸۰۶۹ دینار، نقد ۴ تومان و ۶۴۴۹ دینار، جنس: دو تومان
 و ۴۳۲۰ دینار، گندم: ۵ خروار: یک تومان و ۸۲۵۶ دینار،
 جو: ۵ خروار و ده من: یک تومان و ۶۴ دینار
 قریه طرز بلوک اردمه که به ضبط وزیر خراسان مقرر شده
 ۲ تومان و ۶۱۶۲ دینار
 بیاض شد

مزرعه چهل حجره بلوک جاغرق، رسید ایضاً ۲۰ خروار
 از بابت عشر سیورغال جماعت مزبوره: ۱۰ تومان و ۸۸۰ دینار

اول	اول
۵ تومان و ۹۴۵۳ دینار	میرزا ابراهیم متولی سابق و میرزا بدیع
اول	کلانتر
ساروبهادر ۱۴۸۰ دینار	۴ تومان و ۷۳۲۳ دینار
اول	
میرزا محسن	
۴ تومان و ۵۲۲۳ دینار	
اول	میرزا بدیع مهرداد
۱ تومان و ۱۱۷۰ دینار	
بیاض شد.	

مداخل حاکم فراه مقرر است. [به تعبیه؟] حاکم مزبور به وظیفه مومی الیهم مقرر و تتمه آن از بابت
 چکمه بهاء مشهد مقدس معلی که به مبلغ پانصد تومان به ضبط عالی جاه بیگلربیگی آنجا مقرر
 است که به هر مصرف که مقرر گردد مصروف داده و درتخاقوی ئیل باقیست. حاکم مزبوره همه ساله
 حاکم فراه مقرر شود که هر ساله از قرار قبض از عالی جاه بیگلربیگی مزبور باز یافت نماید. استدعا مانع

حسابی شود، خواهد بود. بنابراین از ابتداء تخاقوی ئیل، مبلغ سی و شش تومان و شش هزار و هشتصد دینار از بابت محال و وجوهات مزبوره به تعبیه همه ساله غلامان جدید حاکم مزبوره آنچه باقیست. حسب الظهر به وظیفه شرافت و نجابت پناه، ملا محمدابراهیم و اولاد ذکور ملا محمدرضا و وظیفه مسماه مزبوره مقرر فرمودیم و مؤدیان بازیافت نمایند. حکام و کلانتران و مباشرین مهمات دیوانی الکاء مزبور به خلاف حکم و حساب دخل در وجه وظیفه مشارالیهم ننمایند. مستوفیان عظام، وجه وظیفه سابق ایشان را که به اسم وزیر خراسان مقرر بوده به وجه از تاریخ به جهت دیوان ضبط نمایند و مساوی نسخه [تعبیه؟] ملازمان جدیدی حاکم مزبور به وظیفه ایشان عمل شد عوض از بابت وجوه چکمه بها خراسان همه ساله ملازمان مزبوره مقرر و منظور دارید که هر ساله از عالی جاه بیگربیگی قلمی نمایند بازیافت نمایند و هرگاه من بعد بر طبق عرض احدی به نقیض مزبوره در لباس پروانچه یا رقمی صادر شود مناظ اعتبار ندانند. عالی جاه بیگربیگی مشهد مقدس معلی، حسب المسطور مبلغ هشت تومان و سه هزار و سیصد و هشت دینار تبریزی از بابت وجه چکمه بها که به ضبط آن عالی جاه مقرر است در عوض آنچه از مداخل حاکم فراه مقطوع و به وظیفه هریک باشد، سال به سال به موجب قبض واصل حاکم الکاء مزبور به وجه موقوف ندارند. بنابراین از ابتداء تخاقوی ئیل، مبلغ مزبور را از بابت محال و وجوهات مزبوره به وظیفه مشارالیهم مقرر فرمودیم. رعایا و مؤدیان مزبوره سال به سال وجه وظیفه ایشان را به شرح فوق از قرار قبض مهمسازی نموده موقوف ندارند. پروانچه سابق و حال را مقرر دانند و در عهده شناسند. تحریرا فی شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۲۹.

[پشت سند:]

۳۷ تومان و ۱۲۰۰ دینار

اولاد ذکور شرافت	شرافت و ایالت پنجاه
و نجابت پناه، ملا	آقا محمدابراهیم نایب الصداره مشهد مقدس ۲۳ تومان
محمدرضا مدرس و	از بابت محال مزبوره
خادم باشی آستانه مقدسه:	۲۰ تومان و ۶۲۴۰ دینار
۷ تومان	قریه
قریه طرز بلوک اردمه	پاینده بلوک شهر، رسید سیورغال صدر سابق ۷۷۷۰ تومان
[-] [ناخوانا] مقرر بود: یک	نقد: ۲۶۵۸ دینار
تومان و ۶۲۶۶ دینار،	جنس: ۵۱۱۶ دینار؛ گندم: ۳۵ خروار و ۷ من: ۶۷۶۸ دینار، جو:
مزرعه مزنگ بلوک	۷۸ خروار و نیم: ۱۳۸۸ دینار
منیژان رسید سیورغال	
صدر سابق: یک تومان و	
۹۸۲۴ دینار،	

۱. مبلغ به سیاق بالای کلمه درج شده است.



مزرعه شبانکاره بلوک طوس رسید ایضاً: یک تومان و ۹۷۱۳ دینار، نقد: ۶۱۸۱ دینار، جنس: گندم: ۴ خروار و ۴ من، ۹۷۹۹ دینار، جو: ۸۹۸۰ دینار بها: ۳۹ خروار و ۶ من: ۶۰۴۰ تومان
یک تومان و ۸۸۸ دینار

مزرعه بحرآباد بلوک شهر، رسید ایضاً: یک تومان و ۲۶۴۱ دینار، نقد: ۱۷۲۴ دینار، جنس: یک تومان و ۹۲۰ دینار، گندم: دو خروار و ۶۱ من: ۷۱۸۴ دینار، جو: ۱۳ من، ۴۷۷۶ دینار
گندم: سه خروار و ۷۱ من، ۸۹۲۸ دینار جو: ۳۱ من

مزرعه مهدی آباد بلوک شهر، رسید ایضاً: یک تومان و ۹۳۲۸ دینار، نقد: ۱۶۵۶ دینار، جنس: یک تومان و ۷۶۷۲ تومان: گندم: ۴ خروار و ۱۳ من: یک تومان و ۱۱۱۶ دینار، جو: ۴ خروار و ۱۰ من: ۶۵۶۰ دینار
مزرعه شادکن بلوک شهر، رسید وظیفه صدر سابق: ۶ تومان و ۶۷۵۲ دینار، نقد: ۵ تومان و ۹۴۳۲ دینار، جنس: گندم: ۵۰ خروار و ۹۸ من: یک تومان و ۴۲۵۱ دینار، جو: ۶۰ خروار و ۲۹ من: یک تومان و ۴۶ دینار
قربیه
دنجان و خانرود رسید تیول
قبالجات [ناخوانا] که در
تیول مشارالیه مقطوع و
علاوه مداخل بیگلربیگی
سابق مشهود و درباری
علاوه مداخل حاکم فراه
و حال [تعبیه؟] حاکم
فراه به وظیفه اولاد مذکور
عمل می شود. ۲ تومان و
۶۹۱۰ دینار
بیاض شد.

از بابت عشر و ده نیم سیورغال جماعت مزبوره: ۱۰ تومان و ۷۷۸۶ دینار،

اولاد میرزا ابراهیم متولی و میرزا بدیع
۴ تومان و ۷۳۲۳ دینار،
اولاد سارو بهادر
۲۴۸۰ دینار

اولاد میرزا محسن متولی سابق سابق
۴ تومان و ۵۸۲۳ دینار،
اولاد میرزا بدیع مهردار
یک تومان و ۲۱۷۰ دینار
مسماه
خدیدجه خانم صبیبه ملا محمد کریم
شش تومان و ۶۸۰۰ دینار

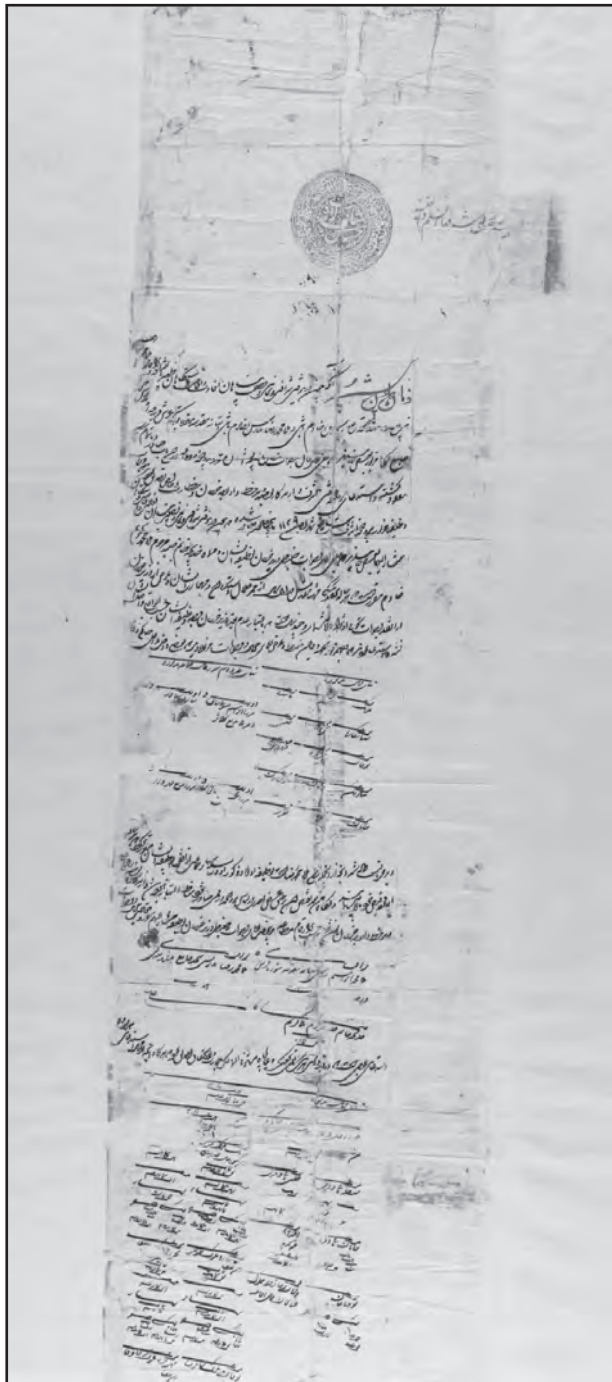
مزرعه نوقان بلوک جاغرق رسید سیورغال صدر سابق
۵۳۶۴ دینار و نیم، نقد: ۱۰۲۲ دینار و نیم، جنس ۴۳۶۱ دینار،
گندم: ۲۱ یک خروار و ۲۷ من: ۱۹۳۰ دینار، جو: ۸۹ من،
۲۴۵۳ دینار،
مزرعه چهل حجره رسید ایضاً: ۲۰ خروار، ۴۰۰ دینار

مزرعه شادکن بلوک شهر رسید وظیفه صدر سابق سوای آنچه
شرح فوق به وظیفه ملا ابراهیم مقرر شد ۴۳۱۷ دینار، نقد: ده
تومان، جنس: ۳۴ من: ۸۸۰ دینار
قریبه دنجان و خانرود رسید تیول قباجات [ناخوانا]
یک تومان و ۲۵۵۸ دینار،

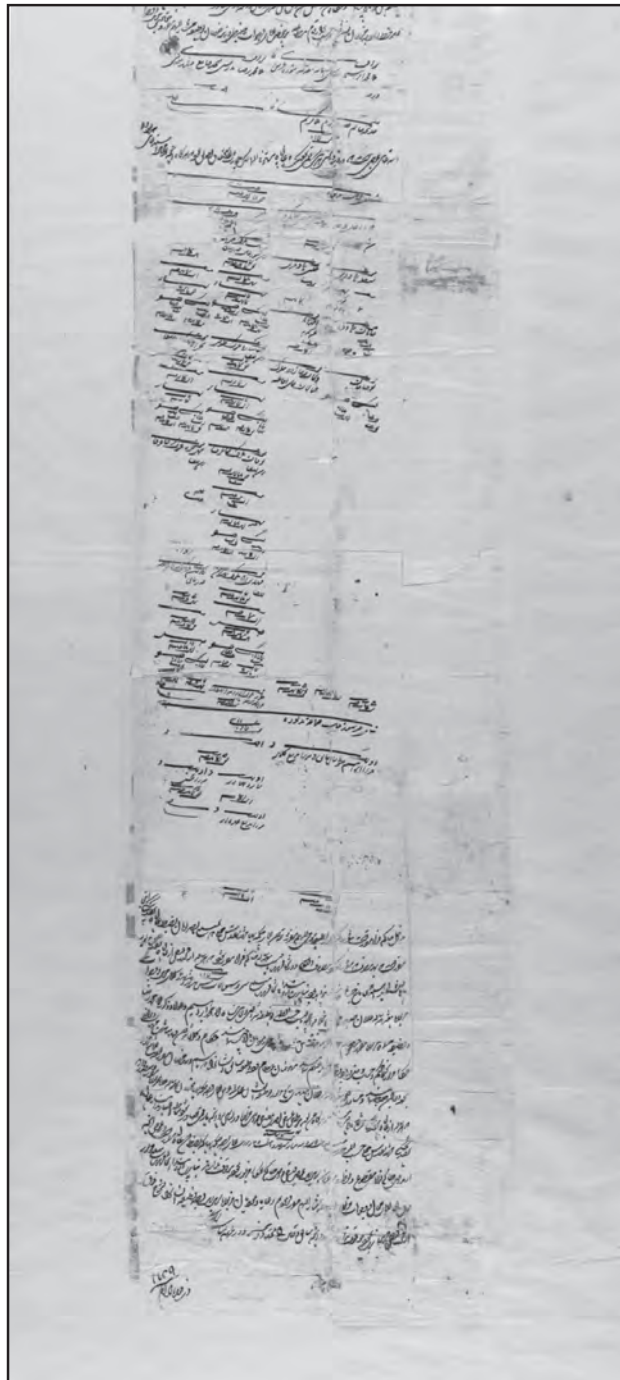
مزرعه [نوقیاخان؟] رسید ایضاً
یک تومان و ۱۹۰۰ دینار، گندم: ۱۵ خروار و ۱۹ من: ۳ تومان و
۵۹۵۶ دینار، جو: ۳ خروار و ۸۴ من، ۶۱۸۸ دینار

مزرعه
حسینی رسید ایضاً
۱۷ خروار: ۳۵۶ دینار،
بیاض شد

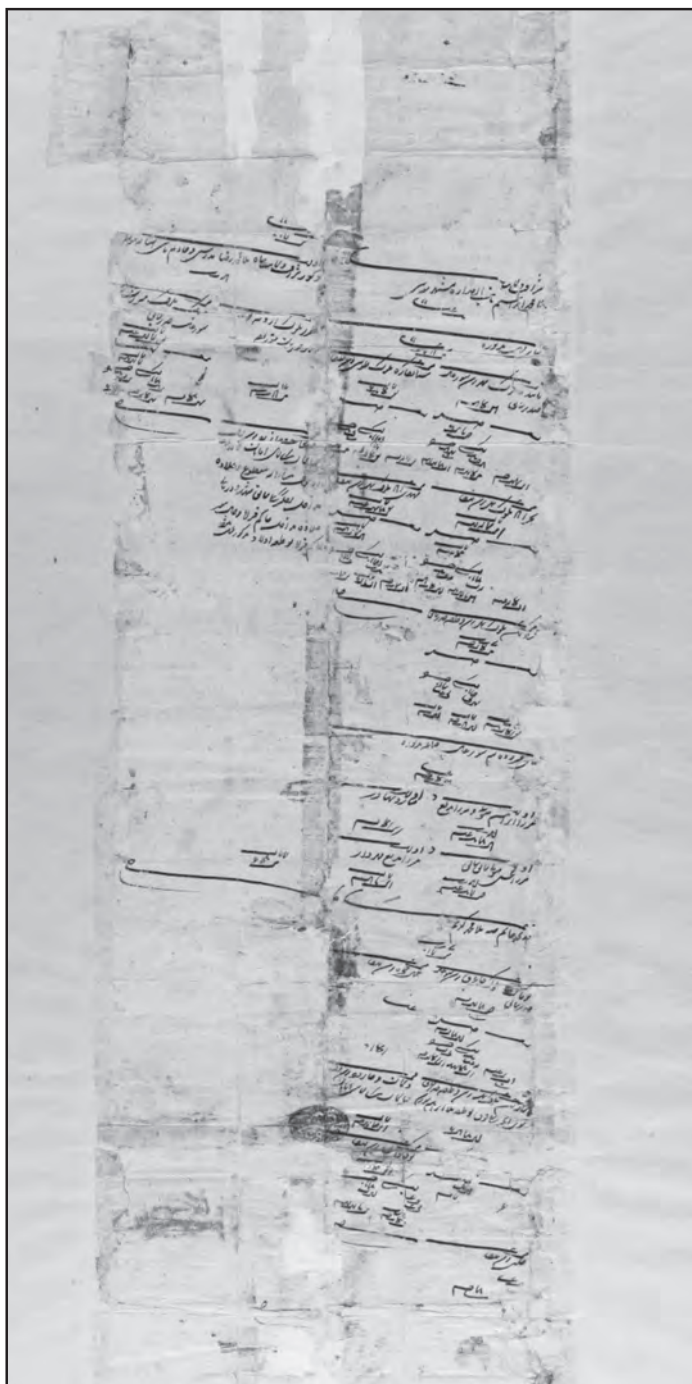
[مهر:] بنده درگاه محمد
از قرار نوشته وزارت و شوکت و اقبال پناه، حشمت و عظمت و اجلال دستگاه، خورشید احتجاب، عالی
جاهی اعتضاد السلطنه آصف جاهی العلیه العالیه
[طغرا:] توکلت علی الله [مهر: ناخوانا]
ثبت شد. [مهر:] الله، احب الحسین
ثبت دفتر سرخط شد. [مهر:] افوض امری الی الله، محمد بن عسکری
ثبت نظارت شد. [مهر: ناخوانا]
[مهر:] بنده درگاه حسین، محمد.
ثبت توجیه شد. [مهر:] بنده آل محمد هاشم



تصویر سند

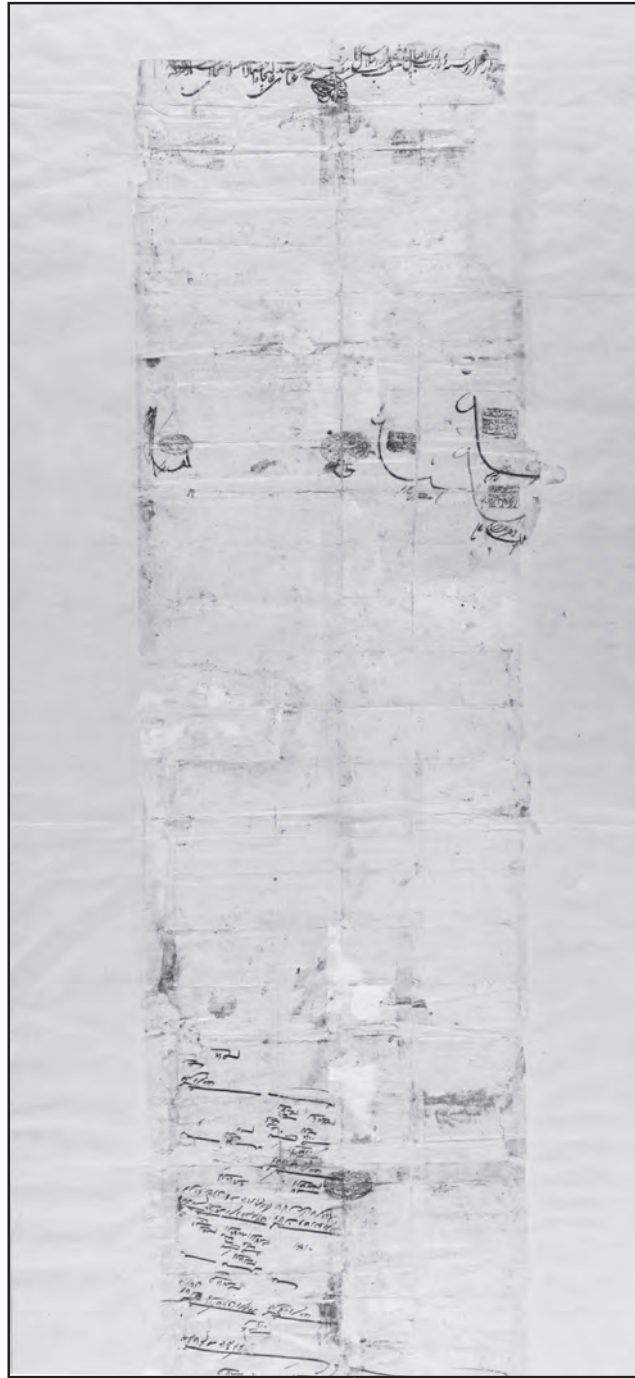


ادامه تصویر سند



پشت سند

بررسی فرمانی از عصر صفوی در مورد شیوه پرداخت وظیفه در مشهد



ادامه پشت سند